فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره هشتم ، پاییز ۱۳۹۳- صفحه ۲۹ - ۴۶

بررسی تأثیر اندیشه های اقتصادی متفکران مسلمان بر مکتب اسکولاستیک در قرون وسطی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۲

محمدرضا یوسفی شیخ رباط*
سید مهدی میرحسینی**

چکیده

مقاله حاضر به بررسی اثر گذاری اندیشه های اقتصادی محققان مسلمان بر مکتب اسکولاستیک (مَدرسی) در قرون وسطی با تکیه بر روش تحلیلی توصیفی می پردازد. هدف آن، ضمن نشان دادن اثرات یادشده، پیدا کردن زمینه های مشترک فکری در تاریخ ادیان بوده که موجب درک سنت ها و ریشه های فکری مشترک زمینه ساز افزایش همکاری و تقویت پیوندهای موسسات دینی اقتصادی میان ادیان می باشد. در این نوشتار ابتدا به تبیین شرایطی که به ظهور و بروز اندیشه های اقتصادی در میان اندیشمندان مسلمان منجر شده و سپس انتقال آن به مکتب اسکولاستیک در غرب، پرداخته شده است. این مقاله، ارتباطاتی که باعث نزدیکی این دو تفکر به یکدیگر شدند را توضیح می دهد. سپس بر مواردی چند از این دو سنت فکری که در بردارنده دیدگاه های مشابهی هستند دست گذارده شده است. سیر در این موارد نشان می دهد که اخلاق و ارزش های انسانی، اصلی ترین شالوده های دو مکتب فکری اقتصادی اسلام و اسکولاستیک در قرون وسطی بوده، زمینه نزدیکی میان اقتصاد اسلامی و اقتصاد مسیحی وجود دارد.

واژگان کلیدی: *مکتب اسکولاتیک، قرون وسطی، عدالت، قیمت منصفانه، ربا*

* استادیارگروه اقتصاد دانشگاه مفید(نویسنده مسئول) yousefi@mofidu.ac.ir
** دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مفید seyedmehdimirhoseini@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

مقدمه

رجوع به مهمترین منابع دینی یعنی قرآن و سنت نشان می دهد که آموزه ها و قوانین اقتصادی از جایگاه ممتازی در تفکر دینی برخوردار است. قرآن در مورد بیع و تجارت، ربا، زکات، خمس، ارث، قرض، اسراف و تبذیر، مجازات‌های مالی و غیره به وضوح توضیح داده است. سنت گفتاری و کرداری پیامبر(ص) نیز آموزه های بسیاری را بیان می کند.

حکومت های پس از رسول اکرم(ص) به هنگام مواجهه با هر پدیده ایی سعی در رجوع به این دو منبع اصیل داشته تا حکم آن را دریابند و در صورت فقدان حکم صریح در دو منبع یادشده، دست به اجتهاد می زدند. بر این اساس موارد بسیاری را می توان از تاریخ صدر اسلام به عنوان شاهدی بر این ادعا ارایه نمود. (محمدرضا یوسفی، ۱۳۹۴)

۱.آشنایی دنیای اسلام با تفکر و نهادهای جدید

گسترش روزافزون دامنه حکومت مسلمانان موجب آشنایی آنان با فرهنگ ها و تفکرات جدید شد. آنان در همان ابتدای امر به دلیل فقدان حکومت در شبه جزیره عربستان و در نتیجه نا آشنایی با مسائل دیوان حکومتی که پس از فتح کشورهایی مانند ایران یک ضرورت شمرده می شد از دانشمندان دیوانی و کارمندان دستگاه های دیوانی ایرانیان بهره بردند. عربها به علت زندگی ساده بدوی، فقدان دولت مرکزی و تمدن در گذشته در امر دستگاه های دیوانی تجربه ایی نداشتند. بر این اساس مسلمانان از تجربه نظام دیوانی موجود در کشورهای ایران و روم که دارای تمدن بودند، الهام گرفتند. عمر پس از مشورت با صحابه رسول الله، دستور تشکیل چنین دیوانی را داد. (ابوالقاسم اجتهادی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۴)

مسلمانان در اواخر قرن اول به بعد نیز با میراث عقلانی یونانی آشنا شده و دست به ترجمه متون یونانی زدند. عباسیان به نهضت ترجمه و گسترش مباحث فلسفی یونانی کمک بسیار نمودند. اما دانشمندان مسلمان تنها به ترجمه صرف اکتفا نکردند. آنان به بررسی این تفکرات در چارچوب های دینی و منظری شرعی پرداختند و در نتیجه علوم عقلی یونانی را در خدمت تفکر دینی قرار دادند. متکلمان و فیلسوفان مسلمان به تبیین آن مباحث پرداخته و بر آنها مطالبی افزودند. آنان در مواردی نیز از منظری دیگر به تبیین آن علوم پرداختند تفسیرهایی که در قالب جدید معنا می یافتند. دانشمندانی مانند فارابی، ابن مسکویه، بوعلی سینا، ابن هیثم، فخر رازی، خواجه نصیرالدین طوسی و... از جمله آنان می باشند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

علوم در فلسفه یونانی به دو حکمت نظری و عملی تقسیم مـی شـدند «حکمـت نظـری» دریافت هستی است آنچنان که هست و یا خواهد بـود. «حکمـت عملـی» دریافـت خـط مشـی زندگی است. به عبارت دیگر حکمت عملی عبارت است از علم بـه اینکـه افعـال اختیـاری بشـر چگونه و به چه منوال خوب است و باید باشد، و چگونه و به چه منوال بد است و نباید باشد. لذا می توان گفت حکمت عملی از «باید» ها و «شاید و نشاید» ها حکایت می کند. بر ایـن اسـاس مسائل حکمت عملی از نوع جمله‌های انشائی است. (مرتضی مطهری، ۱۳۸۴، ص:۲۹ ـ ۳۲)

حکمت عملی سـه قسـم شـده کـه یکـی از آنهـا تـدبیر منـزل کـه تعبیـری از اصـطلاح Oikonomia یونانی است، می باشد.

همانطور که شومپیتر بیان می کند، ایده های اقتصادی یونانی به چند جنبه خاص زندگی مانند خواسته ها و رضایتمندی، اقتصاد خود مصرفی خانواده ها، تقسیم کـار، اقتصـاد تهـاتری و اقتصاد پول محدود می شدند. موارد یادشده را می توان چکیده ادبیات بـه جـا مانـده از میـراث یونانی قلمداد نمود. (شومپیتر، ۱۳۷۵) البته مسلمانان این مفهوم را به مرور زمان گسترده تر از تدبیر منزل به کار برده و معانی مانند بازار، قیمت، پول، عرضه، تقاضا را در آن نیز گنجانـده، بـر آنها تاکید ورزیدند. (Spengler, 1964, 304) مسلمانانی مانند ابن خلدون، مقریزی، یحیی بـن عمر و دیگران علاوه بر مباحث فوق در مورد عملکرد بازار و سـازوکار قیمـت گـذاری، مشـکلات تولید و توزیع، نقش اقتصادی دولت، نوسانات اقتصادی، ریشه کنـی فقـر، و توسـعه اقتصـادی و غیره نیز بحث کردند. (محمدرضا یوسفی، ۱۳۹۴)

۲.کانال های ارتباطی جهان غرب و جهان اسلام

بنابراین حکمت عملی در طی چند قرن در دامان مسلمانان رشد و بسط یافت. ارتباطات جهـان غرب در آن دوره و رشد علم در میان مسلمانان موجب شـد تـا ایـن بـار نهضـت ترجمـه متـون مسلمانان در غرب رخ داده، آثار بزرگانی مانند فارابی، ابن رشد، بوعلی سینا و دیگـران بـه زبـان های رایج در غرب و از جمله یونانی برگردانده شده، دانشمندان قرون وسطی از آنها بهره برند. (Islahi, 2011,4)

چنانچه پیر باتلر می گوید هیچ محققی بدون آگاهی از اسلام نمی تواند بـه ارزش هـای فکـری اواخر قرون وسطی دست یابد. (میرآخور، ص ۸۸)

اما ترجمه تنها راه انتقال تفکرات اندیشمندان مسلمان نبود. گروهی از طالبان علم از اروپا به کشورهای اسلامی مانند عراق، سوریه، مصر، اندلس (اسپانیا) و.. مسافرت کرده، علوم مختلف

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

را از معلمان مسلمان خود یاد گرفتند و در بازگشت بـه کشـورهای خـود، ایـده هـای آنهـا را از طریق نوشته ها و یا تدریس منتشر کردند. (Sezgin, 1984, 128) تجارت و بازرگانی، زیارت از اماکن مقدس، بازدیدهای علمی، روابط دیپلماتیک نیز نقش مهمـی در ایـن میـان ایفـا کردنـد. مجموعه روابط یادشده موجب گسترش ابـزار و موسسـات مختلـف اقتصـادی در اروپـای قـرون وسطی شد. مفاهیمی نظیر سفته (برات)، حواله (اعتبار اسنادی)، فندوق[1] (مراکز تجاری خاص)، معانه (یک نوع بانک خصوصی)، چک (صک)، محتسب از جمله آنان می باشند. (Islahi, 2011, 6)

اشپنگلر بر اساس مطالعه آثار دانشمندان مسلمانی مانند غزالی، فارابی، ابن سینا، دمشقی، خواجه نصیر و... معتقد است که این دسته از دانشمندان به مباحثی مانند مالیاتها، مقررات بازار، کارکرد پول، نوسان قیمت ها، تقسیم کار و ... پرداخته اند. (میرآخور، ص ۹۳)

۳. رویکرد دانشمندان مسیحی در ابتدای قرون وسطی به اقتصاد

دوران قرون وسطی برای غرب بیانگر تحولی مهـم در اندیشـه مسـیحیت بـود. پیـدایش مکتـب اسکولاستیک بیان کننده تغییر وضعیت مسیحیت از لباس منتقد و مبارز به شـرایط مسـیحیت حاکم می باشد. زیرا بعد از گسترش مسیحیت در اروپا و نفـوذ آن در دسـتگاه امپراطـوری روم، قرون وسطی به مدت تقریبا هزار سال ادامه یافت. ویژگی این دوران، سـیطره کلیسـا بـر مراکـز علمی بود. مجموعه علومی که در این مراکز وابسته به کلیسا تدریس می شد به مکتب و فلسـفه اسکولاستیک شهرت دارد. (محمد تقی مصباح، ۱۳۶۴، صص ۳۸ و ۴۴

وضعیت نوینی که برای مسـیحیت پـیش آمـد، نیازمنـد تبیینـی علمـی و قابـل دفـاع از اعتقادات مسیحی بود. مکتب مدرسی و یا همان اسکولاستیک در مقام پاسخگویی بـه ایـن نیـاز برآمد. در این مدارس قوانین لاتین و فلسفه یونانی نیز مورد مطالعه قرار مـی گرفتنـد. آنـان در دوران انتقال یادشده، فاقد پشتوانه لازم فکری برای مواجهه با پیش‌آمدها و رخدادها بودنـد و در نتیجه خود را نیازمند به ترجمه متون از یونانی و عربی می دیدند.

میلادی هیچگونه مطلبی در حوزه مسائل اقتصادی به معنای امـروزی وجـود نداشـت. بـه نظر او، مراجعه به مکتوبات بزرگترین استادان الهیات و فلسفه در ابتـدای قـرون وسـطی ماننـد آلکوین[2]، رابناس[1]، ماراس[2]، اسکوتاس[3]، اریگنوس[4]، هینکمار[5]، گربرت[6]، سنت آنسلم[7] و آبـلارد[8]،

---

۱. فندوق موسسات تجاری بزرگ و بازارهای تخصصی مانند فندوق های غلات و منسوجات در بغداد و دمشـق و .. بودند که شکل اولیه بورس اوراق بهادار محسوب می شوند. (میرآخور، ص ۱۰۶)

2. Alcuin

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

نشان می دهد که حتی یک خط هم در نقد ثروت اندوزی و یا تقبیح آن وجود نـدارد در حـالی که مسائل اقتصادی همواره جایگاه مهمی در زندگی اجتماعی و فردی مردم داشته، آنان دائما با مشکلات اقتصادی دست به گریبان بودند و این امر می توانست مجالی برای تفکر ایـن دسـته از دانشمندان به عنوان موضوع بحث فراهم نماید. اوبرین یکی از دلایل این بی توجهی را در فقدان آموزه هایی از دانشمندان گذشـته مسـیحیت در ایـن زمینـه مـی دانـد بـه اعتقـاد واینـر[۹]، امـا دانشمندان قرون وسطی در اواخر این دوره نظرات قابل توجهی در مورد مسائل اقتصـادی بیـان نمودند (Islahi, 2011, 7).

البته دلیل دیگر این بی توجهی به امور اقتصادی در نزد دانشـمندان اولیـه ایـن بـود کـه مذهب مسیحیت از قدیم الایام، انسان ها را از اشتغال به فعالیت هـای اقتصـادی بـر حـذر مـی داشت. در تفکر رایج مسیحیت تا زمان قرون وسـطی، فعالیـت هـای تجـاری و بازرگـانی، گنـاه محسوب شده، تلاش برای کسب درآمد بیشتر، نشان دهنده طمع افراد بود. گوردون[۱۰] در کتاب خود اینگونه می نویسد: «اواخر سال ۱۰۷۸ میلادی، شورای کلیسای رم، این قـانون را تصـویب کرد که معاملاتی که بازرگانان و یا سربازان انجام می دهند گناه محسوب می شـود.» زیـرا ایـن اعتقاد وجود داشت که «مؤمنان باید اموال خود را بفروشند و آنها را به فقرا بدهند» یا آنها بایـد بدون انتظار دریافت چیزی (و احتمالا بدون دریافت بازپرداخت) از این سرمایه بـه افـراد قـرض بدهند» (شومپیتر، ۱۳۷۵، ص ۷۱).

روشن است که بر اساس این تفکر که تلاش برای درآمد مازاد بر نیاز، گناه محسوب شـده و درآمد مازاد باید به صورت انفاق و یا قرض الحسنه اعطا گردد، نمی توان هیچ نظریه اقتصـادی را بنا نهاد و این دلیل دومی بود که دانشمندان مسیحی هیچ آموزه ایی از منابع اولیـه خـویش نیافته و خود نیز هیچ انگیزه ای برای یافتن و ارایه راه حل در مواجهه با مشـکلات اقتصـادی و تدوین نظریه های اقتصادی نداشتند. شاید به دلیل همین نگـرش بـود کـه «شـکاف بـزرگ»[۱۱]

1. Rabnas
2. Mauras
3. Scotus
4. Erigenus
5. Hincmar
6. Gerbert
7. St. Anselm
8. Abelard
9. Jacob Viner
10. Barry Gordon
11. Great Gap

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

میان مسیحیت ابتدائی تا اواسط قرون وسطی پدید آمد. به اعتقاد شومپیتر، این امر مسلم است که تاکید کلیسا بر اصلاح اخلاقیات فردی بوده است. از نظر کلیسای مسیحی اصلاحات اجتماعی چیزی جز اصلاحات اخلاقی رفتار فردی افراد نیست. لذا هیچگاه آنان به نقد نظام اجتماعی موجود نپرداختند. این امر موجب گشت تا ترسیمی از وضعیت آرمانی اقتصاد و به تعبیری بهشت اقتصادی برای هیچکدام حاصل نیاید. زیرا اقتصاد دغدغه آنان نبود (شومپیتر، ص ۷۲).

۴. نقش مسلمانان در تغییر نگرش دانشمندان مسیحی قرون وسطی به اقتصاد

با فرارسیدن قرون ۱۲ و۱۳ میلادی، انقلابی پدید آمده و درخت ممنوعه اقتصاد، به عنوان بخش یا جزئی از مکتب اسکولاستیک قرار گرفت. در اینجا به طور طبیعی این پرسش طرح می شود که چه عواملی منجر به این تغییر بنیادین شدند و چگونه مکتب اسکولاستیک در قرون وسطی توانستند به ارایه نظریات اقتصادی بدون پیشینه یادشده در مسیحیت اولیه بپردازند. اصلاحی معتقد است که این پرسشی مهم بوده که تعداد بسیار اندکی از مورخان اقتصادی در مقام پاسخگویی به آن برآمدند. آنان نیز معمولا نتوانستند به بررسی دقیق و کامل موضوع دست زنند (Islahi, 2011, 8) .

گوردون لف[1] می گوید از نظر فکری، بیشترین تمایز قرون دوازده و سیزده میلادی نسبت نسبت به قرون پیشین، تفاوتی است که از نظر جدایی اروپا از اسلام و نزدیکی به آن می توان مشاهده کرد. (میرآخور، ص ۱۰۴) کارل پریبرام آشکارا اثرگذاری مسلمانان را پذیرفته است. او می گوید: «تمام نوشته های مربوط به فیلسوف یونانی، ارسطو به تدریج همراه با رساله های مختلفی که در آنها فیلسوفان عرب تفسیرهای خود را بر آن نوشته ها نگاشته اند، به صورت ترجمه لاتین در دسترس بودند.» یکی از ترجمه های مهم و قابل توجه که موجب توسعه و بهبود تفکر غربی شد، ترجمه تفاسیر کتاب اخلاقیات ارسطو توسط ابن رشد است. پریبرام به دو جریان مهم که جامعه قرون وسطی را تحت تاثیر قرار دادند، اشاره می کند. از دیدگاه وی جریان به مراتب مهمتر که در بدنه متخصصان مکتب اسکولاستیک رخ داد، این بود که آنها بنیان های فکری خود را از آثار فیلسوفان مسلمان فراگرفتند (Islahi, 2011, 10).

1. Gordon Leff

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

جاکوب واینر اظهار می کند که « از قرن سیزدهم میلادی به بعد و پس از کشف ارسطو در جهان غرب و به خصوص پس از فراگیری آموزه های ارسطو توسط آلبرت کبیر و سنت توماس آکوئیناس، اخلاقیات مسیحی، ترکیب آموزه های کتاب مقدس، سنت کلیسا، فلسفه یونانی، قانون رومی، دانش و بینش مکتب اسکولاستیک را تشکیل دادند. و بدین ترتیب اقتصاد جزئی از این تعالیم شد. همه اجزاء آموزه اسکولاستیک از قبل وجود داشتند. تعالیم کتاب مقدس، سنت کلیسا، قانون رومی و حتی فلسفه یونانی همه از مدتها پیش وجود داشته اند. اما چنین ترکیبی وجود نداشت. پرسش این است که چرا چنین ترکیبی نمی توانست در دوران قرون وسطی معرفی شود؟ یکی از دلایل این بود که فلسفه یونانی که از طریق مسلمانان به اروپا آورده شد در واقع، همه آن، فقط فلسفه یونانی نبود. این فلسفه، فلسفه یونانی در شکلی جدید و اصلاح شده بود یعنی همراه با تفاسیر، اضافات و شرحی که توسط اندیشمندان مسلمان انجام شده بود. شومپیتر با صراحت تمام می گوید: «در طول قرن دوازدهم، دانش کامل تری از اصول نگاشته شده ارسطو به آرامی به جهان عقلانی مسیحیت غربی وارد شد و این نفوذ تا حدی از طریق میانجیگری اقوام سامی، عرب و یهودی است. دسترسی به افکار ارسطو، وظیفه سنگین پیش روی آنها را تسهیل نمود؛ این تسهیل نه تنها در زمینه ماوراء الطبیعه، که نیاز به تغییر در مسیر طی شده و حرکت در مسیر جدید را داشت، بلکه در علوم فیزیکی و اجتماعی، یعنی جایی که آنها باید از کم و یا هیچ، شروع کنند، نیز به وفور دیده می شود. (شومپیتر، ص ۸۷)

البته چنانچه شومپیتر به درستی معتقد است، نمی توان انتقال فلسفه اصلاح شده ارسطو را دلیل اصلی توسعه قرن سیزدهم دانست. زیرا چنین تحولاتی هرگز ناشی از نفوذ خارجی نیستند و با کشف و ترجمه قرائت جدیدی از فلسفه یونانی نمی توان این تحولات را توضیح داد. لذا برای تبیین تحول یادشده، به عوامل دیگری که بر دانش و نگرش مکتب اسکولاستیک قرون وسطایی اثرگذار بوده اند نیز باید توجه کرد (شومپیتر، ص ۸۶). عاملی که موجب تغییر نگاه سنتی مسیحیت به واقعیت های زندگی شد، سطوح مختلف تلاقی با مسلمانان بود. سطوح مختلف تلاقی های منفی و مثبت با اندیشمندان مسلمان، آثار آنها، تجارت، سفرهای علمی و یا اکتشاف، جنگ و صلح، فتح و شکست، مهاجرت و غیره عامل تاثیرگذار بوده است. در واقع مکتب اسکولاستیک ترکیبی از مسیحیت، ارسطو گرایی و تفکر اسلامی و .. بوده است.
(میرآخور، ص ۸۹) تاثیرپذیری از مسلمانان تا بدانجاست که کاپلستون[1] معتقد است هر قدر

1. Copleston

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

بیشتر در مورد ارسطو، اسلام، یهودیت و مسیحیت بدانیم بیشتر از خود سوال خواهیم کـرد کـه پس آکوئیناس خود چه چیزی را گفته است. (میرآخور، ص ۹۱)

۵. دیدگاه های مشابه دانشمندان مسیحی و مسلمان در قرون وسطی

بیان نکات فوق برای کوچـک شـمردن سـهم متفکـران مکتـب اسکولاسـتیک در بهبـود تفکـر اقتصادی نیست. بلکه تلاش برای تبیین دلایل شباهت ایـده هـای ایـن مکتـب و اندیشـه هـای اقتصادی مسلمانان در آن دوره می باشد. زیرا با درک ارتباطات مختلف ایـن دو فرهنـگ، جـای تعجب نیست که میان مکتب اسکولاستیک و محققـان مسـلمان، ایـده هـای مشـترک و مشـابه بسیاری وجود داشته باشد. برخی از آن موارد در ذیل اشاره می شود.

۱-۵.اهداف یکسان

یک مطالعه تطبیقی نشان می دهد که هر دو مکتب اسکولاستیک و محققـان مسـلمان، اهـداف مشابهی در فعالیت های اقتصادی را ترسیم می نمودند. متفکران مکتب اسکولاستیک بـر مـوارد عدالت اقتصادی، ترجیح منافع جمعی و عمومی بر منافع فـردی، درآمـد بـرای تـامین نیازهـای شخصی و کمک به فقیران، و از بین بردن بهره کشی و سختی از زنـدگی اقتصـادی تاکیـد مـی کردند. (Viner, 1978, 50) این اهداف توسط محققان مسلمان نیز مورد تاکید بودند.

به عنوان مثال، گرچه در انجیل بر عدالت تاکید شد اما تاکید مجدد بر عدالت در آثار قرن دوازده و سیزده میلادی دیده می شود. آکوئیناس در برابر ظلم رو به گسترش بازار در آن عصـر بر ضرورت عدالت تاکید نمود. وی عدالت را در دو محور عـدالت تـوزیعی و مبادلـه ایـی مطـرح نمود (اتمار ایسینگ، ۱۳۷۴، صص ۲۶ ـ ۲۸).

ابو یوسف معتقد است که«صرف نظر ازثواب و اجر اخروی عدل و انصـاف و دوری از ظلـم، عدالت موجب افزایش درآمدهای حاصل از خراج (مالیاتی) وگسترش آبادانی کشـور مـی گـردد. برکت با عدالت است در حالی که درآمدهای بـه دسـت آمـده از روی ظلـم و سـتم بـر مالیـات دهندگان موجب کاهش آبادانی و خرابی کشور می شود. » (ابویوسف، بی تا، ص ۱۱۱).

فارابی به دقت به مفهوم عدل اجتماعی توجه داشته اسـت. ایشـان نظـر خـود را در مـورد عدالت و انواع آن در جوامع مختلف بیان کرده اسـت. فـارابی عـدل را تقسـیم مسـاوی خیـرات مشترک در جامعه و به تعبیر دقیق تر همه مردم تعریف می کند. منظور از خیرات مشـترک در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

نظر فارابی؛ سلامت، کرامت، اموال عمومی، مراتب[1] و دیگر امور مشترک در میان مردم می باشد. منطق آن نیز روشن است این امور میان همه آحاد جامعه مشترک است و کسی بر دیگری تقدمی ندارد. (محمدرضا یوسفی، ۱۳۹۴) فارابی مرحله دوم، عدالت را حفظ آنچه که در میان آنها توزیع شده است و ثبات آن بیان می کند (فارابی، فصول المنتزعه، صص ۷۱ ـ ۷۲).

ابن قیم نیز به عدالت توجه نموده، هدف از شریعت را عدالت می داند. او در کتاب زاد المعاد می نویسد « هر چیزی که بر خلاف عدالت باشد جزء شریعت نیست.» (ابن قیم، ۱۹۵۵، ۱۵)

او همچنین در کتاب اعلام الموقعین بر منافع عمومی تاکید می کند و می گوید که منافع عمومی بر منافع شخصی اولویت و تقدم دارند. وی تقدیم منافع عمومی را مطابق با روح شریعت می داند. (ابن قیم، ۱۹۵۵، ص ۱۷۱) اگر مالکان شخصی به نحوی از اموال خود استفاده کنند که باعث نقض رفاه اجتماعی شوند، دولت حق دارد تا در این کار دخالت کرده و حتی آن اموال را در ازاء پرداخت مبلغی تملک نماید به شرط اینکه با انجام این کار، نفع بیشتری به جامعه می رسد.

غزالی نیز اخذ مالیات اضافی را تحت شرایط خاص، مجاز می شمرد که مهمترین و بارزترین این شرایط، مصلحت یا رفاه اجتماعی جامعه می باشد. (حمد بن عبدالرحمن الجنیدل، ۱۴۰۶، ص ۲۳۴) همچنین در حالی که ابن تیمیه، تاثیر نیروهای بازار بر عرضه و تقاضا در تعیین قیمت را می پذیرد، اما به نقض شرایط بازار از طریق اتخاذ شیوه های ناعادلانه توسط برخی از عرضه کنندگان نیز اشاره کرده است. ابن تیمیه معتقد است در این شرایط، دخالت دولت برای افزایش نفع عمومی لازم است (الجنیدل، ص ۲۶۷).

بنابراین، هم محققان مسلمان و هم دانشمندان مسیحی قرون وسطی، عدالت، برابری، نفع جمعی و دفاع از ضعیف تر را به عنوان اهداف اقتصادی برخاسته از آموزه ها و نهادها در دو سنت فکری خود می دانستند.

۲-۵. شباهت روش های بررسی و تبیین

به نظر می رسد صرف نظر از شباهت در اهداف، این دو در سبک و شیوه ارایه مطالب نیز به همدیگر شبیه می باشند. به عنوان مثال، غزالی در کتاب احیاء العلوم به تبیین اخلاق می پردازد و البته از جمله مباحثی که در این کتاب علاوه بر مباحث اعتقادی طرح می کند،

۱. ناظرزاده مراتب را به حرمت و آبرو معنا می کند. (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۵)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

مباحث اخلاق اقتصادی می باشد. وی بخشی از این کتاب را به اخلاق کسب و کار تحت عنوان «آداب الکسب و المعاش» اختصاص می دهد. وی در کتاب به بیان اهمیت فعالیت اقتصادی، ضرورت دانستن احکام فقهی مربوط به کسب و کار، انواع معاملات، ربا، بررسی روش های نادرست مانند تقلب و غش در معامله و... می پردازد. (غزالی، بی تا) توماس آکوئیناس نیز دو فصل از رساله مشهور خود به نام "Summa Theologica " را به حذف کردن شیوه های تقلب و ربا خواری از خرید و فروش اختصاص داد. ملاحظه هر دوی این آثار نشان دهنده شباهت های زیاد این دو در انتخاب موضوعات و مطالب و روح حاکم بر کتاب است. لازم به ذکر است که عبدالعظیم اصلاحی با استناد به آثار هریس[1]، اسکاتوس[2] و دیگران به نفوذ غزالی بر آکوئیناس تاکید کرده است. (Islahi, 2011, 12) غضنفر نیز با تطبیق جملات به کار رفته در چند کتاب این دو متفکر، اثرگذاری غزالی بر آکوئیناس را نشان داده است. (Ghazanfar, 2003, 193 -203) با توجه به تبیین اصلاحی و غضنفر، شباهت در اصل اندیشه و نحوه و چیدمان نوشتار این دو اندیشمند طبیعی به نظر می رسد.

۳-۵. ربا، گناهی در تقابل با عدالت

قرآن در آیات متعددی در باره ربا سخن گفته است. به نظر می رسد که به دلیل شرایط و پیچیدگی مسائل اقتصادی و اجتماعی، قرآن کریم به تحریم تدریجی ربا اقدام نمود. خداوند متعال در آخرین آیه ایی که به صراحت ربا را تحریم کرده است ربا را عملی ظالمانه و در تقابل با عدالت می خواند. خداوند در آیه ۲۷۹ سوره بقره ربا را ظلم می شمرد.[3] بنابراین اسلام در همان سال های نخست و در کمتر از سه دهه از شروع دوره خویش به تقابل ربا و عدالت توجه داده است. اما دانشمندان مکتب اسکولاستیک در اواخر قرن ۱۲ میلادی به این موضوع رسیدند. برخی از دانشمندان، پی بردن به این نکته در غرب را به عنوان کشفی بزرگ در آن جامعه تلقی نمودند. اوبرین در این باره چنین می نویسد: « الکساندر سوم (متوفی در سال ۱۱۸۱ میلادی) پس از تفکر بسیار در مورد ربا به این نتیجه رسید که ربا گناهی در برابر عدالت می باشد. درک و کشف بی عدالتی ربا، نقطه عطفی در تاریخ مواجهه با این موضوع بوده و به نظر می رسد که الکساندر سوم، پیشگام مطالعه علمی در این زمینه باشد»(Islahi, 2011, 13)

1. Harris
2. Duns Scotus
۳. «فَإِن لَّمْ تَفْعَلُواْ فَأْذَنُواْ بِحَرْبٍ مِّنَ اللهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لاَ تَظْلِمُونَ وَلاَ تُظْلَمُونَ»

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

گرچه توجه به این نکته که قرآن چند قرن قبل از الکساندر سوم به این نکته تصریح نموده که ابرین به دلیل تازگی اندیشه در جهان غرب آن را کشف بزرگ الکساندر سوم می داند، پیشتازی این تفکر را در میان مسلمانان نشان می دهد اما به هر حال می توان به این تشابه نیزتاکید نمود. همچنین آکوئیناس نیز ربا را امری غیرعادلانه می دانست گرچه بنابر نقل رودنی ویلسون[1] استدلالی که وی نمود تنها ربای مصرفی را در بر می گرفت. به نظر او، هر گاه کالایی مصرفی قرض داده شود که با مصرف اصل کالا از بین می رود، در صورتی که قرض دهنده چیزی بیش از آنچه قرض داده است درخواست کند، از آنجایی که تقاضای بهره مانند توقع پاداش یا میوه بخاطر استفاده از کالای مصرفی است که از آن چیزی اضافه به دست نیامده است؛ بنابراین تقاضای بهره در این صورت به دور از عدالت است (نوراحمدی، ۱۳۹۲، ص ۹۳).

۴-۵. حمایت از فرد ضعیف در معامله

گاه پیش می آید که شخصی نیاز فراوانی به کالایی داشته باشد و فروشنده بخواهد از شدت نیاز وی سوء استفاده نماید و کالا را با قیمتی بیشتر بفروشد در این صورت پیامبر(ص)، فروش کالا به قیمت اجحافی را ممنوع دانسته اند. در جایی دیگر، تحمیل یک قیمت گزاف بر فردی که از قیمت کالا اطلاع ندارد، به عنوان ربا بیان شده است. هدف از این آموزه ها، حمایت از نیازمندان و جلوگیری از استثمار آنها می باشد.

شاید چنین نیت و انگیزه مشابهی منجر شد تا سنت آکوئیناس، یک وام گیرنده نیازمند به ربا را به یک خریدار نیازمند که چیزی را به قیمت بسیار بالا خریده است، تشبیه کند. در سنت مکتب اسکولاستیک نیز «افزایش قیمت در مواردی که خریدار نیازمند می باشد، ممنوع شده است.» (Islahi, 2011, 14).

۵-۵. مشارکت در ریسک

به گفته واینر، «متون کتاب مقدس به گونه ای با مسئله تجارت برخورد می کنند که گویا با حرص و آز، ثروت و تجمل گرایی همراه است». اما متفکران مکتب اسکولاستیک، تجارت را به عنوان یک شغل مشروع پذیرفته اند. با توجه به حرمت ربا، اندیشمندان مکتب اسکولاستیک و اندیشمندان مسلمان اولاً تجارت و فعالیت های بازرگانی را مشروع دانسته، و همچنین به تجویز فعالیت های مبتنی بر اساس مشارکت پرداختند. شباهت های بسیاری در مفاد این دو سنت

1. Rodny Wilson

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

فکری وجود دارد. مشارکت[۱] و مضاربه نوعی سرمایه گذاری مشترک بوده که سرمایه توسط یک طرف معامله که به طور مستقیم در این سرمایه گذاری شرکت نمی کند، تامین می شود و طرف دیگر با این سرمایه، کار می کند و آنها سود بدست آمده را با یک نسبت از پیش تعیین شده، تقسیم می کنند. ویژگی مهم مشارکت، سهیم شدن در ریسک است چنانچه گری[۲] و تامپسون[۳]، تصریح می کنند که سرمایه گذاری مشارکتی در قرون وسطی محکوم نشد به این شرط که آن طرف مقابل نیز در ریسک این سرمایه گذاری شریک شود. مشارکت که شکل اصلی شراکت می باشد، همواره کاملا مشروع در نظر گرفته شده است (Islahi, 2011, 14).

اودوویچ[۴] معتقد است که مضاربه از طریق تجارت با مسلمانان و نیز از طریق نوشته های دانشمندان مسلمان در اروپا مطرح و شایع شد (میرآخور، ص ۱۰۶).

در صورتی که هر دو طرف، سرمایه گذاری و کار را همزمان انجام بدهند، آن وقت متفکران مکتب اسکولاستیک آن را سرمایه گذاری یا مشارکت جمعی[۵]می نامیدند. در نظام اسلامی، این نوع معامله شرکت نامیده می شود. ساختار اصلی این دو ابزار، مشارکت در ریسک است. به قول بالدوس[۶] وقتی مشارکتی در ریسک نیست، در واقع مشارکتی نیز وجود ندارد. در شریعت اسلامی نیز چنین است. عبارت «الغنم بالغرم»[۷] و «الربح بالضمان»[۸] نیز به این معناست که سود همراه با پذیرش زیان و دریافت سود نیز با ریسک عجین شده است.

۶-۵. قیمت منصفانه

قیمت عادلانه، یکی از موضوعات اصلی مورد بحث برای هر دو سنت فکری است. قیمت عادلانه هنوز هم یکی از موضوعات مورد بحث اقتصادی در این مکاتب با تفاسیر متفاوت است. با این

---

۱. در دوره قرون وسطی، اصطلاح Commenda به نوعی تراست اطلاق می شد که فرد سرمایه خود را برای امور تجاری در اختیار دیگری قرار داده و در سود آن شریک می شد.

2. Gray
3 . Thompson
4. Udovitch

۵. در قرون وسطی هر گاه هر دو طرف سرمایه گذاری کرده و در فعالیت کاری نیز مشارکت می کردند از اصطلاح Collegantia استفاده می کردند.

6. Baldus

۷. قاعده الغنم بالغرم یا من له الغنم فعلیه الغرم به این معناست که میان سود و زیان تلازم است. هر کس از چیزی نفع می برد در صورت زیان نیز از آن خسارت می بیند. (مصطفوی، ۱۴۱۷، ۲۸۴)

۸. این قاعده را معمولا الخراج بالضمان گویند. این قاعده و قاعده من له الغنم فعلیه الغرم به یک معنا می باشند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

حال، شباهت زیادی بین مفهوم قیمت عادلانه ابن تیمیه و قیمت منصفانه آکوئیناس وجود دارد. هر دو طرف معتقدند قیمت منصفانه را فقط باید قیمت رقابتی بازار تعیین کند و هیچگونه تقلبی نباید وجود داشته باشد (Islahi, 1988, 76 -80).

۷-۵. کنترل قیمت

پیتر اولیوی[1] (متوفی در سال ۱۲۹۸) که نویسنده رساله های بسیاری در زمینه قراردادهای اقتصادی است، مخالف کنترل قیمت ها حتی در مواقعی که کمبود عمومی وجود دارد، می باشد. او چنین استدلال می کند که هنگامی که کسی اقدام به تعیین و کنترل قیمت کند، عرضه کالا رو به کاهش خواهد نهاد و کسانی که نیاز به این کالا دارند، زیان خواهند دید.

ابن قدامه المَقدسی نیز علاوه بر حمایت از موضع خود در کنترل قیمت که با سنت پیامبر (ص) همخوانی دارد، اظهار می دارد که «تثبیت قیمت، منجر به کمبود کالا و افزایش قیمتها می شود. بازرگانان خارجی کالاهای خود را به کشور صادر نخواهند کرد و بازرگانان داخلی نیز کالاها و ذخایر خویش را پنهان می کنند. خریداران نیازمند کالا و فروشندگان دارای کالا هر دو از کنترل قیمت ها متضرر می شوند.

لازم به ذکر است که مسئله اجرای کنترل قیمت، یک مسئله بسیار بحث انگیز در میان متفکران مسلمان بوده است. به عنوان مثال، ابن تیمیه، در مورد شرایطی صحبت می کند که ممکن است به تضمین کنترل و تنظیم قیمت منجر شوند. به ویژه زمانی که در بازار، نواقصی وجود دارد (شیوه های انحصاری) و یا هنگامی که شرایط اضطرار مانند قحطی، جنگ، و غیره بوجود می آید. (الجنیدل، ۱۴۰۶، ص ۲۷۵) این نکته توسط بسیاری دیگر از نویسندگان مسلمان نیز بیان شده است.

1. Peter Olivi

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

۸-۵. احتکار و تلقی رکبان

متفکران مکتب اسکولاستیک، احتکار و تلقی رکبان[۱] را محکوم کرده اند. در منابع اسلامی نیز احتکار تحریم شده است و تلقی رکبان مکروه می باشد. پیامبر (ص) فرمودند: محتکر، مورد لعنت و دوری از رحمت خداوند است و کسی که با روش های صحیح کالایی را عرضه می کند، روزی درست به دست می آورد. [۲]

۹-۵. ممنوعیت انحصارگرایی

گوردون[۳] معتقد است که مکتب اسکولاستیک در قرون وسطی در حمایت از منافع مشترک، تلاش اصناف شهری که متشکل از تولید کنندگان و بازرگانانی هستند که ممکن است قیمت استثماری را برای کالاها و خدمات خود تعیین کنند، مردود می داند. (Islahi, 2011, 16) اما مدتها پیش از این، رهبران دینی مانند امام صادق(ع) و دانشمندان مسلمان مانند یحیی بن عمر و ابن تیمیه نیز مخالف شکل گیری چنین توافقات جمعی صنف فروشندگان بودند. معمولا این عمل در انحصار چند جانبه رخ می دهد. سازش عرضه کنندگان موجب می شود تا سود مجموع آنها بیشترین بوده و تولید نیز کمترین و قیمت بالاتر شود. در واقع یک کارتل تشکیل شده که به تصمیم واحد می رسند. از نظر یحیی بن عمر درچنین صورتی، دولت باید با تبانی کنندگان بر خورد کرده،آنان را از بازار اخراج و راه ورود سایرین را به این صنعت هموار کند تا این توافقات شکل نگیرد (الجنیدل، ۱۴۰۶، صص۱۲۳ ـ ۱۲۱).

۱۰-۵. احیای زمین موات

بنابر قانون شریعت اسلامی و طبق فرموده پیامبر« هر کس زمین مرده ای را آباد کند (مثلا آن را قابل زرع و کشت کند)، آن را مالک می شود»[۴] دانشمندان مسلمان اعم از شیعی و سنی نیز بر این مضمون تاکید کرده اند گرچه اختلافات اندکی در برخی از دلالت های آن وجود دارد.[۵]

---

۱. تلقی رکبان یعنی خرید از یک فروشنده قبل از اینکه کالا به بازار برسد.

۲. « الجالب مرزوق و المحتکر ملعون» (وسائل الشیعه، همان، ص ۳۱۳ ح سوم)

3. Gordon

۴. « من احیی ارضا میته فهی له» (العاملی، ج ۱۷، ص ۳۲۶)

۵. مانند تفسیری که سید محمدباقر صدر در اقتصادنا دارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

بنابر نقل گوردون، سنت آکوئیناس نیز می گوید «هزینه کار در کشت و زرع یک منطقه از زمین و یا اشغال آن، منجر به ادعای بحق مالکیت آن زمین می شود.» این دیدگاه ها نه تنها به احترام و به رسمیت شناختن کار منجر شد بلکه تشویق به تخصیص اراضی و قابل زرع و کشت کردن آنها نیز شد.

۱۱-۵. پول و مسائل مربوط به آن

پول یکی از مباحث کمتر بحث شده توسط مکتب اسکولاستیک است. نیکول ارسم[1]، رساله کم حجمی درمورد این موضوع نگاشته است. او در این رساله در مورد مسائل ماهیت و هدف از پول، طلا و نقره به عنوان مواد مناسب برای ضرب سکه، عواقب بد تبدیل و کاهش ارزش پول و ایده شبیه به قانون گرشام، بحث نموده است.

در زمان های بسیار قبل تر از ارسم، کسانی چون راغب اصفهانی، ابن مسکویه، غزالی، دمشقی، اسدی، مقریزی و ... در مورد تمامی جنبه های پول، در فضا و قالب موضوعات مختلف اجتماعی و اقتصادی بحث کرده اند(یوسفی، ۱۳۹۱، صص ۱۱ ـ ۲۷). اصلاحی معتقد است که این شباهت به این دلیل بود که هر دو طرف از ایده های یونانی سود می بردند و با مسائل مشابهی روبرو بودند؛ دلیل دیگر این امر، این بود که هر دوی آنها تا حدودی نگرانی های مشترکی در مورد عدالت اجتماعی، تسهیل مبادلات، و بررسی تقلب و فریب در مسائل پولی داشتند (Islahi, 2011, 18).

جمع بندی و نتیجه گیری

ملاحظه منابع فراوان که بخشی از آنها در اینجا آورده شده است ما را به چند نکته هدایت می کند. نخست اینکه اندیشه های اقتصادی دانشمندان مسلمان بر متفکران مسیحی اواخر قرون وسطی تاثیرگذار بوده است. دوم اینکه علیرغم برخی اختلافات، مشابهت زیادی در نحوه نگاه به مسائل اقتصادی میان این دو سنت فکری می توان مشاهده کرد که در این نوشتار تنها به مواردی چند دست گذارده شده است. سوم اینکه قدر مشترک این دو سنت فکری، نگاه اخلاقی به مسائل اقتصادی بوده است. و این امری است که اگر در دوران تحول بنیادین رنسانس مورد توجه واقع می شد، جهان وضعیت بهتری نسبت به امروز را مشاهده می کرد. چهارم اینکه مشترکات یادشده می تواند زمینه مناسبی برای همکاری میان دانشمندان اقتصاد اسلامی و

1. Nicole Oresme

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

اقتصاد مسیحی فراهم نماید. پنجم اینکه این نوشتار تاکید می کند کـه گرچـه از دوران مکتـب اسکولاستیک و دانشمندان اوایـل اسـلام، اصـول و شـیوه هـای اقتصـادی دسـتخوش تغییـرات شدیدی قرار گرفته اند. ترکیبات تولید و تکنیک ها فوق العـاده توسـعه یافتـه انـد امـا ماهیـت انسان، تغییرناپذیر و ثابت بوده، اخلاق و ارزش های انسانی تغییر نکرده است. چیزی کـه مهـم ترین دغدغه های متفکران مکتب اسکولاستیک و علمای اسلامی بوده است و این جنبه از تفکر آنها برای امروز ما حاوی درس های مهمی کرده است. در پایان باید تاکید شود که هـدف اصـلی این مقاله، اصرار برای بازگشت به دوران قرون وسطی نیست. اما در عین حال باید تأکیـد گـردد که ادیان آسمانی از مقررات، اخلاق و ارزش های خاصی پیروی می کنند. اگـر آنهـا بـه اقتصـاد برگردانده شوند، بهره وری، عدالت و ثبات را به خصوص پس از تجربه بحران مالی جهانی اخیـر، افزایش می دهند.

منابع

۱.قرآن کریم.

۲.ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، *الخراج*، دارالمعرفه، بیروت ـ لبنان، بی تا.

۳.اجتهادی، ابوالقاسم (۱۳۶۳)؛ *بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین*، انتشارات سروش.

۴.ایسینگ، اتمار(۱۳۷۴)؛ *تاریخ اندیشه ها و عقاید اقتصادی*؛ ترجمـه هـادی صـمدی؛ دانشـگاه تربیت مدرس.

۵.الجنیدل، حمد بن عبدالرحمن(۱۴۰۶ق)؛ *منـاهج البـاحثین فـی الاقتصـاد الاسـلامی*؛ شـرکه العبیکان.

۶.شومپیتر، ژوزف(۱۳۷۵)؛ *تاریخ تحلیل اقتصادی*، ج اول؛ ترجمه فریدون فاطمی؛ نشر مرکز.

۷.العاملی، محمد بن الحسن(۱۴۰۹ ق)؛ *وسائل الشیعه*، موسسه آل البیت، ایران ـ قم.

۸.الغزالی، ابومحمد، *احیاء علوم الدین*، موسسه التاریخ العربی، دار التراث العربی، بیروت.

۹.فارابی، ابونصر محمد(بی تا)، *فصول المنتزعه*.

۱۰.مصباح یزدی، محمد تقی(۱۳۶۴)؛ *آموزش فلسفه* ج اول، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۱.مصطفوی، سید محمد کاظم(۱۴۱۷ ق)؛ *القواعد*؛ موسسه النشر الاسلامی؛ الطبعه الثالثه.

۱۲.مطهری، مرتضی(۱۳۸۴)؛ *مجموعه آثار*، ج ۲۲؛ انتشارات صدرا؛ دوم.

۱۳.میرآخور، عباس و باقر الحسنی(بی تـا)؛ *مقـالاتی در اقتصـاد اسـلامی*، ترجمـه حسـن گلریـز، موسسه عالی بانکداری ایران.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

۱۴.ناظرزاده کرمانی، فرناز(۱۳۷۶)؛ *اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی*؛ انتشارات دانشگاه الزهرا(س).
۱۵.نوراحمدی، محمدجواد(۱۳۹۲)؛ *مالکیت، عدالت و رشد*؛ انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، تهران.
۱۶.یوسفی شیخ رباط، محمدرضا(۱۳۹۱)، *بررسی امکان تقاضای پول در اقتصاد اسلامی*؛ دانشگاه مفید.
۱۷.یوسفی شیخ رباط، محمدرضا(۱۳۹۴)، *تاریخ اندیشه اقتصادی متفکران مسلمان*.
18. Ghazanfar and Islahi(1998); *Economic Thought of Al Ghazali*; Jeddah, Scientific Publishing Center, KAAU;
19. Islahi, Abdul Azim(2011); *Linkages and Similarities between Economics Ideas of Muslim Scholars and Scholastics*; king Abdulaziz University, Jeddah, Saudi Arabia,
20. Sezgin, Fuat(1984); Lecturs on Arabic and Islamic Sciences; Frankfort; IGAIW
21. Spengler, Joseph (1964); *Economic of Islam: Ibn Khaldun*; Comarative Studies in Society and History; Vol 6,
22. Viner, Jacob(1978); *Religious Thought and Economic Society*; Duke University Press.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-04]